

نوع مقاله: پژوهشی

کد مقاله: ۲۰۲۲۱۸۸

اعتبارسنجی روش «تحلیل گفتمان انتقادی» فر کلاف در تفسیر قرآن کریم

کلیه نویسندگان / دکترای تفسیر تطبیقی مؤسسه آموزش عالی بنتالهدی - جامعه المصطفی العالمیه

na.moghise@gmail.com

afathi@rihu.ac.ir

samirkave@gmail.com

 orcid.org/0000-0002-9173-8961

علی فتاحی / دانشیار گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

سعید امیر کاوه / استادیار گروه ارتباطات اجتماعی دانشگاه صدا و سیما

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۵

چکیده

«تحلیل گفتمان انتقادی» فر کلاف روش تفسیری میان‌رشته‌ای است که هدف از آن دستیابی به ایدئولوژی پنهانی است که مشارکت‌کنندگان فعال گفتمان آن را به صورت طبیعی شده در گفتمان قرار داده‌اند. به این منظور مفسر در این روش با گذر از سه سطح «توصیف»، «تفسیر» و «تبیین»، به بررسی متن می‌پردازد. این روش تحلیلی در سال‌های اخیر با اقبال روزافزون برخی قرآن‌پژوهان مواجه شده است. از این رو بررسی روش «تحلیل گفتمان انتقادی» از نظر مبنا و اصول و کاربست آن به مثابه یک روش در تفسیر قرآن کریم ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی کاربست روش «تحلیل گفتمان انتقادی» در تفسیر قرآن پرداخته است. صرف‌نظر از مبانی و اصول، اجرای تحلیل گفتمان انتقادی فر کلاف به مثابه یک روش برای تفسیر قرآن کریم با اشکالات متعددی روبه‌روست. مهم‌ترین اشکال روش «تحلیل گفتمان انتقادی» پذیرش نگاه فر کلاف به زبان، به عنوان یکی از اصول این روش است. در نگاه او ایدئولوژی ابزاری برای حکمرانی بر مردم و استیلای بر آنان بوده و فر کلاف همین معنا از ایدئولوژی را در روش انتقادی خود پذیرفته است. سایر اشکالات با کاوش و اجرای روش، مشخص می‌شوند. استفاده از مراحل گفتمان انتقادی برای دستیابی به موقعیت‌های محیطی با اشکالاتی (همچون نسبیّت، واقع‌انگاری متن، مرگ مؤلف، تاریخ‌مندی متن و تکرر معنایی) روبه‌روست. بازتولید یک گفتمان از طریق روش مزبور موجب تغییر ساختاری گفتمان می‌شود. وجود تنها یکی از این اشکالات در هر روش تفسیری، استفاده از آن را برای تفسیر قرآن کریم ناممکن می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، فر کلاف، ایدئولوژی، زبان، تفسیر متن، تفسیر قرآن.

روش «تحلیل گفتمان انتقادی» فرکلاف یکی از مطرح‌ترین رویکردهای گفتمانی است که امروزه در پژوهش‌های قرآنی با اقبال برخی مواجه شده است. نورمن فرکلاف گفتمان را به‌مثابه مجموعه‌ای از سه عنصر می‌داند: عمل اجتماعی، عمل گفتمانی، و متن. «تحلیل گفتمان انتقادی» دارای روشی توصیفی - تحلیلی با گرایش «پساساختارانه» است و با وارد کردن کلماتی همچون «قدرت»، «ایدئولوژی» و «اجتماع»، ظرفیت تحلیلی گفتمان را افزایش داده است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۲، ص ۱۲۰).

ایدئولوژی در این روش تنها در ساختارها نهفته نیست، بلکه در رویدادها و شرایط به‌وجود آمدن متن نیز نهفته است (فرکلاف، ۲۰۱۰، ص ۱۶۳). آنچه این روش بر آن تکیه کرده، پیوند میان زبان و قدرت و چگونگی کاربرد زبان بر تسلط بعضی بر دیگران است (همان، ص ۱۶۶).

فرکلاف با تکیه بر سنت مارکسیستی اروپایی و با استفاده از رابطه دیالکتیکی میان ساختار و رویداد زبان‌شناسی سوسور، گفتمان را از تحلیل متن فراتر برده و آن را به صورت الگویی سه‌بعدی مطرح کرده است (کلانتری، ۱۳۹۱، ص ۸۰)؛ الگویی که از سه سطح عمل اجتماعی (تولید متن)، عمل گفتمانی (توزیع و مصرف) و متن تشکیل شده است. برای تحلیل هر گفتمان، نیاز به تحلیل هریک از این سه بعد و روابط میان آنها وجود دارد (فرکلاف، ۲۰۰۰، ص ۳۰). مفاهیم پرکاربرد این نظریه، «متن»، «کردار گفتمانی» و «کردار اجتماعی» است که هریک از آنان وابستگی تنگاتنگ و پیوسته‌ای با قدرت و ایدئولوژی دارند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۲، ص ۱۴۵).

از سوی دیگر، واژه «تفسیر» در نگاه عام به توضیح و شرح کتب علمی اختصاص دارد. در اصطلاح اختصاصی علوم قرآنی، واژه «تفسیر» به بیان معانی آیات قرآن کریم و کشف مقاصد و مدالیل آن اطلاق می‌شود (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۰).

دانش تفسیر همانند هر دانش دیگری نیازمند اصول و قواعدی است که مفسر بر مبنای آن، به تفسیر اقدام کند. اصول و قواعد تفسیری در گام نخست، تفسیری درست و روشمند را در پی دارد. در گام دوم، سبب کاهش چشمگیر اختلافات و اشتباهات می‌شود و سرانجام امکان ارزیابی تفاسیر موجود را ممکن می‌سازند. از این رو به‌کارگیری روش متقن و صحیح برای دستیابی به نتیجه تفسیری، ضروری است.

در رابطه با کاربست روش «تحلیل گفتمان انتقادی» در تفسیر قرآن، رعایت اصول و مبانی تفسیری لازم است و چنانچه روشی با اصول و مبانی تفسیری در تضاد باشد، برای دستیابی به معنای مفاهیم قرآنی باید روشی قاعده‌مند و اصولی را انتخاب کرد. از این رو قرآن‌پژوهان باید در انتخاب روش تفسیری خود، دقت لازم را داشته باشند. برای این هدف، ابتدا باید روش مزبور را به‌درستی شناخت، سپس به امکان‌سنجی کاربست آن در تفسیر قرآن پرداخت.

پژوهش حاضر به گونه «توصیفی - تحلیلی»، درصدد بیان کاربست روش «تحلیل گفتمان انتقادی» در تفسیر قرآن است. در ادامه، ابتدا چپستی روش «تحلیل گفتمان انتقادی» فرکلاف بیان گردیده، سپس به منظور اعتبارسنجی این روش در تفسیر قرآن کریم، با در نظر گرفتن مبانی و اصول، مراحل اجرایی این روش بررسی شده است. در دهه‌های اخیر، آثاری در قالب مقاله، رساله و کتاب درباره روش «تحلیل گفتمان انتقادی» با رویکرد دینی نوشته شده است؛ همچون:

- تحلیل گفتمان کاوی انتقادی سوره آل عمران براساس نظریه نورمن فرکلاف (رحیمی، ۱۳۸۹). پایان نامه مذکور هدایت آیات سوره «آل عمران» را براساس روش فرکلاف تحلیل کرده است. نویسنده بی‌هیچ قید و شرطی استفاده و امکان کاربست این روش را در آیات قرآن کریم پذیرفته است.

مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی در نهج البلاغه براساس تئوری فرکلاف» (محسنی و پروین، ۱۳۹۴):

مقاله «گفتمان کاوی انتقادی سوره شمس براساس الگوی فرکلاف» (فلاح و رفیع‌پور، ۱۳۹۷):

مقاله «بررسی قصه یوسف براساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف» (حاجی‌زاده و فرهادی، ۱۳۹۷):

تمام مقالات و پایان‌نامه‌های مذکور امکان استفاده از روش «تحلیل گفتمان انتقادی» فرکلاف را در تفسیر قرآن پیش‌فرض گرفته و با این روش و بی‌توجه به امکان استفاده از این روش در تفسیر به پژوهش پرداخته‌اند. آنچه از دید پژوهشگران در این عرصه مغفول مانده، امکان‌سنجی و بررسی کارآمدی این روش تحلیلی در تفسیر قرآن کریم است. علی‌رغم انتقاداتی همچون نسبیّت‌گرایی، ایدئولوژی حاکم بر روش، عدم تعیین حیطه گفتمانی از غیرگفتمانی و مانند آن، این روش به‌مثابه یک روش مطالعه میان‌رشته‌ای توسط پژوهشگران معاصر برای تفسیر قرآن کریم، به کار گرفته می‌شود. این همان مسئله‌ای است که سنجش کاربست این روش مطالعاتی را ضروری می‌سازد. بر این پایه، مقاله حاضر در کاربست روش «تحلیل گفتمان انتقادی» فرکلاف در تفسیر قرآن کریم نوآورانه و اکتشافی است.

۱. تحلیل گفتمان انتقادی

«تحلیل گفتمان» اصطلاحی نوآورانه است که در سده اخیر وارد علم زبان‌شناسی شده است. تا قبل از آن گفت‌وگو و بیان جدی در رابطه با تحلیل گفتمان یافت نمی‌شود. با وجود جدید بودن، این روش شاهد تغییرات و تحولات اساسی و کارکردهای گوناگون است. شاخصه‌ای که رویکرد فرکلاف را نسبت به سایر رویکردهای گفتمان انتقادی متمایز می‌سازد، پرداخت یکسان متن و فرامتن است. پرداختن به یکی از آنها مانع درک صحیح متن می‌شود. به اعتقاد فرکلاف، این روش می‌تواند کمبود چارچوب‌های تحلیلی کارا را جبران کند (فرکلاف، ۱۳۹۷، ص ۱۴۲). درواقع «تحلیل گفتمان انتقادی» فرکلاف ریشه در سازه‌گرایی اجتماعی دارد و تنها به بررسی ساختار زبان نمی‌پردازد، بلکه به بررسی افراد و نهادهایی می‌پردازد که شیوه‌هایی برای معناپردازی از متن دارند (مکاریک، ۱۳۸۳، ص ۱۶۰).

به دیگر سخن، «تحلیل گفتمان انتقادی» قصد دارد به روشی نظام‌مند و با استفاده از الگوی سه‌بعدی، به کاوش در روابط نامعلوم بین متون وقایع و اعمال گفتمانی و ساختارها، روابط فرایندهای فرهنگی و اجتماعی در سطح گسترده پردازد (فرکلاف، ۱۳۹۷، ص ۱۳۲).

هدف اصلی این رویکرد، آشکار ساختن روابط قدرت و ایدئولوژی در ساختار زبان است. تجزیه و تحلیل، نحوه اثرگذاری و ارتباط متون بافت اجتماعی از جمله اهداف تفسیری این روش هستند. این روش تفسیری در سه سطح اجرا می‌شود: توصیف، تفسیر و تبیین.

قبل از پرداختن به شیوه اجرای روش، باید به مهم‌ترین وجه افتراق میان روش «تحلیل گفتمان انتقادی» فرکلاف و تفسیر قرآن کریم پرداخت.

۲. وجوه افتراق روش فرکلاف و تفسیر قرآن

۱-۲. نگاه به زبان

اصلی‌ترین نقد به روش فرکلاف در نگاه وی به زبان نهفته است. از نظر وی زبان فرایندی اجتماعی و به‌مثابه یک کردار گفتمانی، در لابه‌لای روابط و فرایندهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک رویداد ارتباطی محصور شده است. کردار گفتمانی ناظر بر ترکیب‌بندی گونه‌های گفتمانی در یک نهاد اجتماعی است که به «نظم گفتمانی» معروف است. این رویداد ارتباطی می‌تواند شامل هر نوع ارتباط زبانی، متنی و نشانه‌ای گردد (فرکلاف، ۲۰۰۶، ص ۱۷).

این تفکر شامل چند مفهوم ضمنی است:

- زبان بخشی از جامعه است و خارج از آن نیست.

- زبان فرایندی اجتماعی است.

- زبان یک فرایند مشروط اجتماعی است؛ یعنی مشروط به سایر بخش‌های غیرزبانی جامعه است (فرکلاف، ۱۳۹۷، ص ۲۲).

به باور فرکلاف ارتباط زبان با کنش‌های گفتمانی و اجتماعی یک ارتباط بیرونی نیست، بلکه ارتباطی درونی است. وقتی زبان بخشی از جامعه دانسته شد، تمام پدیده‌ها زبان‌شناسی - اجتماعی هستند؛ بدین معنی که هر زمان و هر جا که مردم زبان را به کار می‌گیرند (صحبت می‌کنند، می‌خوانند و می‌نویسند)، تحت تأثیر جامعه و شرایط حاکم بر آن هستند. هر چند درون خانواده خود و به دور از اجتماع باشند، بازهم زبان را براساس قوانین اجتماعی خود به کار می‌گیرند (آقاقل زاده و غیایان، ۱۳۸۶).

بر این پایه، متن را نمی‌توان در خلأ فهم یا تحلیل کرد. هر متنی را باید در شبکه سایر متون یا در بستر اجتماعی فهمید. بنابراین تحلیل یک متن بر خصوصیات صوری آن (از قبیل کلمات، گرامر، نحو و انسجام جمله) ممکن نیست. هر چند همین خصوصیات می‌تواند موجب شکل‌گیری گفتمان‌ها شود. آنچه سبب بازتولید یک متن می‌شود، تولید و مصرف آن در بستر اجتماع است. نتیجه آنکه محصور بودن زبان در روابط اجتماعی،

ذاتی مفهوم گفتمان است. از همین رو زبان شکل مادی ایدئولوژی است که توسط آن دربر گرفته شده است (فرکلاف، ۱۳۹۷، ص ۸۴) و این یعنی زبان چیزی فراتر از صحبت کردن و نوشتن است. زبان اجتماعی می تواند شیوه عمل، تعامل، ارزش گذاری، باورداشتن، احساس، لباس ها، نمادهای غیرزبانی، اشیاء، ابزارها، زمان و مکان باشد (فاضلی، ۱۳۸۳).

زبان نقشی اساسی در خلق حقیقت دارد و این خلق در گفتمان ها شکل می پذیرد. به همین سبب با تغییر و تحولات زبانی که در اصل تغییر و تحول در ایدئولوژی نیز هست، گفتمان ها هم متغیر می شوند (بشیر، ۱۳۹۹، ص ۱۲۲). زبان کنش اجتماعی گفتمان است و به همین علت است که فرکلاف زبان را ایدئولوژی حاکم بر جامعه می داند. فرکلاف زبان را به شیوه های گوناگون و در سطوح متنوعی دربردارنده ایدئولوژی می داند. از نظر او تفاوتی میان متون وجود ندارد و همه متون حاوی ایدئولوژی پنهان شده هستند (فرکلاف، ۲۰۰۶، ص ۲۵-۳۰). وی به تعریف گرامشی از ایدئولوژی علاقه مند است (همان، ص ۱۹).

«ایدئولوژی» به معنای مفهومی از جهان بینی است که به گونه ای ضمنی و ناآشکار در هنر، قانون، فعالیت های اقتصادی و تمام نموده های زندگی فردی و جمعی نمودار می شود (جهانگیری و بندرریگی زاده، ۱۳۹۲). همین ویژگی سبب می شود تا ایدئولوژی نیز در ساختار قدرت، نقش بسزایی ایفا کند و زبان حامل آن است. در بهترین حالت، زبان مفاهیمی را انتقال می دهد که قدرت، اجازه انتقال آن مفاهیم را می دهد. زبان در عقیده فرکلاف نقشی فریبکارانه دارد. از این رو نیاز به «تحلیل گفتمان انتقادی» احساس می شود تا بتواند مفاهیم پنهان شده را رمزگشایی کند؛ عبارات دگرسان عبارات افراطی و حسن تعبیرها را بیابد و زبان را خالص و به دور از بازی قدرت و ایدئولوژی به مخاطب نشان دهد. عبارت «دگرسان» یعنی: عبارت بندی مسلط و طبیعی شده به شیوه منظم (فرکلاف، ۱۳۹۷، ص ۱۵۵).

این بازنویسی ها معمولاً در تقابل آگاهانه با عبارت بندی مخالفت جویانه هستند. عبارات افراطی و حسن تعبیر در جایی به کار گرفته می شود که گوینده در پی کم کردن بار معنایی منفی کلام است. از این رو با جایگزینی کلمات مأنوس تر از ارزش های منفی کلام می کاهد (همان، ص ۱۶۱).

فرکلاف در تحلیل متن، دو گونه عمل می کند:

اول. تحلیل زبان شناختی متن که فراتر از تحلیل سنتی است و افزون بر بررسی معمول، فراتر از جمله رفته و جنبه های گوناگون ساختار متون را تحلیل می کند. هدف از این بررسی آن است که نشان دهد چگونه متون از نظام های زبانی به شکل انتخابی بهره می جویند.

دوم. تحلیل بینامتنی است. در این تحلیل آنچه بررسی می گردد، چگونگی وابستگی متون به جامعه و تاریخ است و هدف از آن نشان دادن این نکته است که چگونه متون از نظم های گفتمانی به شکل انتخابی بهره می برند (فرکلاف، ۱۳۹۷، ص ۱۰۷).

«تحلیل گفتمان انتقادی» فرکلاف بر مبنای همین برداشت از زبان، از زبان‌شناسی فاصله گرفته و تحلیل گفتمان را به مرزهای علم جامعه‌شناسی و فلسفه نزدیک کرده است.

۱-۲-۱. نقد نگاه فرکلاف به زبان

هنگامی که سخن از زبان قرآن می‌شود؛ اما با مفاهیمی کاملاً متفاوت از مفاهیم زبان‌شناسی فرکلاف مواجه می‌شویم، همین مسئله موجب می‌شود تا نتوان آن‌گونه که با نگاه فرکلاف زبان را می‌گوییم، قرآن کریم هم کاویده شود. هیچ عبارت دگرسان‌شده‌ای در قرآن وجود ندارد. در رابطه با عبارات افراطی و حسن تعبیر نیز همین مسئله پایدار است. در صورتی می‌توان نسبت به آیات قرآن کریم چنین ادعایی داشت که زبان قرآن خلاف واقع سخن می‌گفت. اما زبان قرآن، زبانی واقع‌گراست و از ترس مخالفت مخالفان، ایدئولوژی خود را پنهان نکرده است.

یکی از صفات زبان قرآن «حق بودن» آن است. «حق بودن» یعنی: مطابق واقع بودن. از این‌رو عبارتی برای اثبات ادعای قرآن به‌صورت افراطی بیان نشده است. واقعیات تلخ و هشدار هم از ترس ارزش‌گذاری منفی حسن تعبیر نشده‌اند، حتی اگر مخاطب آیه رسول اکرم ﷺ باشد: «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ» (الحاقه: ۴۴-۴۶). معنای «تَقَوَّلَ» افتراء، نسبت‌دادن سخن یا حرف‌تراشی و دارای ضمیری است که به پیامبر اکرم ﷺ برمی‌گردد. «اقاویل» جمع «قول» به معنای سخن‌هاست که در این آیه، مراد سخن دروغ است. قرآن کریم نسبت دادن سخن دروغ و افتراء را، حتی اگر از سوی برگزیده‌عالمیان باشد، برنمی‌تابد و سزای آن را قطع کردن رگ گردن می‌داند (معنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۴۱۰). چطور می‌توان به چنین کلامی نسبت «حسن تعبیر»، «دگرسانی» یا «عبارات افراطی» داد؟

در اجرای مراحل این روش نیز همین نگاه به زبان حکم‌فرماست و بدون در نظر گرفتن این نگاه، آنچه مفسر انجام می‌دهد روش «تحلیل گفتمان انتقادی» نیست و با در نظر گرفتن این نگاه، آنچه نوشته می‌شود تفسیر قرآن کریم نیست. مفسر، حتی اگر بخواهد بدون در نظر گرفتن نگاه فریبکارانه، قرآن را تفسیر نماید با اشکالات زیادی همچون ایجاد معنا، نسبیّت و مانند آن روبه‌رو می‌شود.

۱-۲-۲. ویژگی‌های زبانی قرآن کریم

زبان قرآن زبانی غیرصادق نیست. زبان قرآن کریم با توجه به آیات و روایات رساترین، بهترین، جامع‌ترین، آشکارترین و فصیح‌ترین سخن است که در نهایت هدایت‌بخشی، بلاغت، وضوح، انطباق با واقعیت و به‌دور از کذب است. هیچ اختلاف لفظی و معنوی در این زبان یافت نمی‌شود و به همین علت است که نسبت به هر گفتاری برتری دارد.

زبان قرآن، زبانی حقیقی است که معرفت‌بخش است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۳). جنبه معرفتی آن تعهدبرانگیز و تحول‌آفرین است و در عین علمی بودن زبان آن، هنری نیز هست (سعیدی روشن، ۱۳۹۱، ص ۳۸۶). جامعیت زبان قرآن به نسبت سایر رشته‌ها همین‌گونه است.

کلیه صفات مذکور به این علت است که:

۱. زبان قرآن کلام وحیانی و فعل گفتاری خداوند است که به شکلی معنادار برای هدایت و کمال انسان نازل شده است.

۲. قرآن کریم اصیل‌ترین متن الهی باقی‌مانده در دست بشر است که به روشنی مسیر هدایت انسان را نشان داده و برای تمام انواع بشر قابل فهم است. اگر فهم قرآن برای مردم امکان‌پذیر نبود، دستور به تعقل و تفکر درباره آیات وحی کاری لغو بود. عنصر هدایت‌بخشی قرآن کریم در صورتی امکان تجلی پیدا می‌کند که متن قرآن کریم برای همگان قابل فهم و درک باشد و انسان در مواجهه با قرآن کریم پیام آن را دریافت و آن را درک نماید. هم‌اوردی قرآن کریم هم در صورتی معنادار خواهد بود که بشر در مرحله اول، قرآن را بفهمد تا در مرحله دوم برای همانندآوری اقدام نماید.

زبان قرآن و تمام گزاره‌های ظاهری قرآن کریم، اعم از انشایی و اخباری، صادق و معنادار هستند، آن هم براساس اصول محاوره عامه؛ یعنی انسان‌های معمولی در مواجهه با قرآن، معنای آن را متوجه می‌شوند و نگاهی فریبکارانه به ظواهر آن ندارند تا نیاز به رمزگشایی به معنای فرکلافی پیدا نمایند. ویژگی‌های لفظی و ساختاری قرآن کریم زمینه‌ساز انتقال تمام حقایق وحیانی (از قبیل معارف مربوط به مبدأ و معاد، اخلاق، قوانین الهی، قصص و مواظبی) است که مردم در هدایتشان به آن محتاج‌اند و قرآن بیان روشنی برای همه آنهاست: «وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدْنَاكُمْ أَجْمَعِينَ» (نحل: ۹) (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۲، ص ۴۶۸).

از دیگر ویژگی‌های زبان قرآن «حق بودن» است. «حق بودن» قابلیت اثبات‌پذیری و ابطال‌پذیری را برای گزاره کلامی دربر دارد. این قابلیت معادل شناخت‌پذیری و ناظر بودن به واقعیت خارجی است (الشرفی، ۱۳۹۸، ص ۲۵). همین معیار ورود گزاره‌های غیرواقعی یا تجربی - رمزی به زبان قرآن را امری محال می‌کند. اگر زبان قرآن رمزی باشد، زبانی شخصی شده، برای همگان کاربرد نخواهد داشت (نصری، ۱۳۸۲، ص ۱۷۰) و این با «ذِکْرُ لِّلْعَالَمِينَ» (ص: ۸۷) بودن قرآن منافات دارد.

زبان قرآن تک‌بعدی نیست تا فقط از یک منظر به آن نگاه شود، بلکه زبانی تألیفی - شبکه‌ای، واقع‌نما و معنادار است (سعیدی‌روشن، ۱۳۹۱، ص ۲۸۸). تألیفی بودن زبان قرآن دیدگاه‌های تک‌بعدی به این زبان را نفی می‌کند. دیدگاه‌هایی زبان قرآن را نمادین، ظاهرگرا، سلیبی، تمثیلی، مجازی، عرفی، فطرت و هدایت صرف می‌دانند (ساجدی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۷). تألیفی بودن کارایی دیگری نیز دارد. پیش‌تر بیان شد که فرکلاف زبان را در خدمت قدرت می‌داند. وی نقش دیگری برای زبان در ساحت کارکرد اجتماعی بیان نمی‌کند. تألیفی بودن زبان قرآن این کارکرد صرف را نیز نفی می‌کند.

قرآن، هم اهداف خود را به‌صراحت بیان کرده و هم ایدئولوژی توحیدی خود را بی‌هیچ پنهان‌کاری بیان نموده و حتی در سخت‌ترین روزهای عصر نبوی هم از تبعیت و پیروی سایر ایدئولوژی‌ها انذار داده است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ

الْكِتَابِ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا» (مائده: ۴۸)؛ «وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا وَعَرَبِيًّا وَ لَئِنْ أَتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ» (رعد: ۳۷).

۳. بررسی مراحل روش فرکلاف

هدف پژوهش از بررسی روش «تحلیل گفتمان انتقادی» این است که آیا با کنار گذاشتن نگاه فرکلاف به زبان، می‌توان این روش را برای تفسیر قرآن اجرا نمود یا اینکه این روش حاوی نگاه فرکلاف است و نمی‌توان بدون در نظر گرفتن معنای خاص فرکلاف، به بررسی زبان‌شناسی قرآن کریم با روش «تحلیل گفتمان انتقادی» پرداخت. روش تحلیلی فرکلاف بررسی متن در سه سطح «توصیف»، «تفسیر» و «تبیین» است. چپستی و کاربست هریک از این مراحل در ادامه پژوهش حاضر توضیح داده شده است.

برای بررسی روند اجرای روش «تحلیل گفتمان انتقادی» و کاوش کاربست آن در تفسیر قرآن کریم، سوره «عصر» انتخاب گردیده است. این سوره در عین کوتاهی و اجمال، عمقی اجتماعی و فراگیر دارد:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ».

۱-۳. بررسی سطح توصیف

«توصیف» سطح اول بررسی «تحلیل گفتمان انتقادی» است. بررسی نسبتاً عمیقی از مشخصات زبانی (همچون مشخصه‌های واژگانی، دستوری، نقطه‌گذاری، نوبت‌گیری، انواع کنش‌های گفتاری، مستقیم بودن یا غیرمستقیم بودن آنها و خصیصه‌های متنی) اهداف این مرحله هستند. بررسی دقیق متن براساس این خصوصیات، فهم انسان را از مناسبات قدرت و فرایندهای ایدئولوژیک در گفتمان تحت تأثیر قرار می‌دهد، هرچند تحلیل متون تنها بخشی جزئی از تحلیل گفتمان است (فرکلاف، ۱۳۹۷، ص ۱۴۹). در این بخش ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی در واژگان و متن بررسی می‌گردند.

۱-۱-۳. ارزش‌های تجربی کلمات در سوره عصر

«ارزش تجربی» در نگاه فرکلاف یعنی: رد پا و سرنخی از روش که در آن تجربه تولیدکننده متن از جهان طبیعی یا اجتماعی بازنمایی می‌شود. «ارزش تجربی» تجربیات تولیدکننده متن است. کشف ارزش‌های تجربی متن، هویداسازی آثار آنها بر متن است (فرکلاف، ۲۰۱۰، ص ۱۰۰). این تجربیات ممکن است دارای جنبه‌های مثبت و منفی باشند. شارع مقدس به‌مثابه تولیدکننده متن قرآن، اگرچه دارای تجربه زیسته به معنای انسانی آن نیست، اما در تولید متن و انتقال معنا، از یک سو برخوردار از علم بیکران الهی نسبت به تجربه بشری بوده و آن را در اختیار

آدمی قرار داده است؛ همچون آیه دوم سوره «مزبور» که می‌فرماید: انسان از خسران دائمی و بزرگ غافل است. آنچه او را متنبه ساخته، بیان خداوند در سوره «عصر» و در آیات دیگر قرآن است. از سوی دیگر، خداوند متعال برای بیان مقاصد، در آیات گوناگون قرآن، تجربه زیسته بشری را به کار برده است. قصص قرآن کریم نمونه آشکار به‌کارگیری ارزش‌های تجربی توسط خداوند است.

در روش فرکلاف بررسی ارزش‌های تجربی، منحصر به بررسی واژگان از نظر دارا بودن ارزش تجربی نیست، بلکه واژگان از نظر رقیب‌های ایدئولوژیکی، دگرسانی و عبارت‌بندی افراطی، هم‌معنایی و شمول معنایی و تقابل معنایی نیز بررسی می‌گردند. در نگاه فرکلاف، وجود هم‌معنایی مطلق میان واژگان امری محال است. به همین سبب، اگر میان دو کلمه، از نظر معنایی، رابطه‌ای حداقلی نیز وجود داشته باشد، هم‌معنایی رخ داده است. ناگفته نماند که ایدئولوژی یکسان در بحث هم‌معنایی، نقشی کلیدی دارد. شمول معنایی میان واژگانی کاربرد دارد که معنای یک واژه در درون واژه دیگری قرار گرفته باشد. یافته‌ها در بررسی ارزش‌های تجربی سوره «عصر» بدین شرح است:

جدول ۱: ارزش‌های تجربی واژگان سوره عصر

ارزش‌های تجربی واژگان سوره عصر	
والعصر: قسم به امری خارجی و واقعی (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۷۹۴). انسان: مطلق انسان و نوع بشر (همان). خسر: زیان در تجارت (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۲۷، ص ۲۹۴). آمنوا: انسان‌های مؤمن (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۶۱۰). عملوا الصالحات: کنش انسان‌های مؤمن براساس ایدئولوژی (همان). تواصی: توصیه یکدیگر برای پایداری و در مسیر حق بودن. حق: رویه و سویه ایدئولوژیکی و کنشی مؤمنان (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۸۱۵). صبر: نتیجه و اثر ایدئولوژیک مؤمنان (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۶۱۰).	واژگان دارای ارزش تجربی
یافت نشد.	رقیب ایدئولوژیکی
امکان وجود چنین مواردی در قرآن وجود ندارد. تمام موارد مذکور با ویژگی واقع‌گرایی زبان قرآن کریم در تضاد هستند.	دگرسانی و عبارت‌بندی افراطی
از نظر ایدئولوژیکی میان کلمات «آمنوا»، «عملوا الصالحات»، «تواصوا»، «حق» و «صبر» هم‌معنایی و شمول معنایی وجود دارد.	هم‌معنایی و شمول معنایی
میان واژگان «خسر» و «آمنوا» دیده شد.	تقابل معنایی

۲-۱-۳. ارزش‌های رابطه‌ای کلمات در سوره عصر

«ارزش رابطه‌ای» حاکی از رابطه‌ها و مناسبات اجتماعی در جامعه است. هدف از به‌دست آوردن ارزش رابطه‌ای، روشن کردن چگونگی انتخاب کلماتی است که به روابط اجتماعی مشارکت‌کنندگان بستگی دارد و

در ایجاد این روابط مشارکت می‌کند (فرکلاف، ۱۳۹۷، ص ۱۶۰). کلمات دارای ارزش رابطه‌ای در متن شامل عبارت است از:

جدول ۲: ارزش‌های رابطه‌ای واژگان سوره عصر

ارزش‌های رابطه‌ای واژگان سوره عصر	
<p>کلمه «خسر»:</p> <p>- شغل اکثریت جامعه مکه تجارت بود. بنابراین با ادبیات ضرر آشنا بودند.</p> <p>- حب ذات مانع ضررخواهی ابدی می‌شود.</p> <p>- واژه به شکل نکره به کار رفته و بیانگر اول، بزرگی خسران و دوم، شمول نوعی آن است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۶۰۹).</p> <p>عبارت «عمل صالح»:</p> <p>- دارای بار مثبت در ادبیات تجاری است.</p> <p>- برخاسته از مناسبات اجتماعی مسلمانان است.</p> <p>- نماد کنش‌های انسان مؤمن است (همان، ص ۶۱۲).</p> <p>کلمه «تواصوا» بیانگر رابطه زنجیره‌ای میان جامعه برای استحکام درونی فرهنگی - اجتماعی است.</p> <p>«حق» تأثیر در رابطه میان انسان و خداست. آنچه در رابطه انسان با خداوند تأثیر دارد میزان مطابقت رفتار او با حق و دین خداست. کلمه «حق» محدوده تواصی و کنش‌های انسان را به‌مثابه عمل صالح مشخص می‌نماید.</p> <p>علاوه بر آن، آفرینش و نظام آن بر پایه حق است (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۰، ص ۱۷۵).</p> <p>«صبر» نوع روابط مشارکت‌کنندگان را بیان می‌کند. استقامت، پایداری و خسته نشدن در راه ایمان به خداوند، اگر جنبه اجتماعی پیدا نماید شبکه اجتماعی میان مؤمنان را مستحکم می‌سازد.</p>	<p>کلمات واجد ارزش رابطه‌ای</p>
<p>کاربست حسن تعبیر در سوره «عصر» امکان نداشت.</p>	
<p>آیات به زبان رسمی و غیرمحاوره‌ای بیان شده‌اند.</p>	

۳-۱-۳. ارزش بیانی کلمات در سوره عصر

گوینده ارزیابی‌های خود را از طریق طرح‌های طبقه‌بندی بیان می‌کند که نظام‌های ارزشیابی تلقی می‌شوند. همچنین طرح‌هایی به لحاظ ایدئولوژیک متضادی وجود دارد که ارزش‌های متفاوت را در انواع گفتمان‌ها معرفی می‌نماید. این ارزشیابی همواره مدنظر کسانی قرار می‌گیرد که به زبان اقناعی علاقه‌مند باشند (فرکلاف، ۱۳۹۷، ص ۱۶۴). خداوند متعال از روش «اقناعی» و با پرده‌پوشی، مراد خود را بیان نکرده است.

با آنکه این سوره در مکه نازل شده و محیط حاکم بر جامعه، محیطی با عقاید کفر است، به‌صراحت و بی‌هیچ پنهان کاری، روش زندگی متداول، روشی زینبار و همراه با خسران اخروی بیان شده است. نکره بودن واژه «خسر» تنها نمایانگر بزرگی خسر نیست، بلکه نشانه آن است که گوینده با بیانی متقن، آیین، رسوم و فرهنگ کافران را مردود شمرده، راهکاری متفاوت از زیست آنان ارائه می‌کند؛ راهکاری که به عقیده کافران و جامعه مکه، راهکاری مردود است و قاعدتاً برای پذیرش، نیازمند زیباسازی و بیان اقناعی است.

جدول ۳: ارزش‌های بیانی واژگان سوره عصر

ارزش‌های بیانی واژگان سوره عصر	
ارزش بیانی	به علت ویژگی‌های زبان قرآن، ارزش بیانی کلمات در سوره «عصر» همان است که در ظاهر کلمات بیان شده است.
استعاره	استعاره تنها در کلمه «خسر» مشاهده شد. کاربرد این کلمه برای اموال است، نه انسان‌ها. بنابراین کاربرد آن برای نوع انسان، استعاره است.

۴-۱-۳. ویژگی‌های تجربی دستور متن سوره عصر

برای دستیابی به ارزش‌های تجربی متن، نخست به این سؤال باید پاسخ داده شود که چه نوع فرایندها و مشارکت‌کنندگانی مسلط هستند؟ برای این منظور، جملات سوره «عصر» از نظر دستوری، هدف، نوع جمله، کنشگران و کنش‌پذیران، گزینش، مخفی‌سازی آگاهانه، برجسته‌سازی و زمینه‌سازی برای عاملیت بررسی می‌گردد:

جدول ۴: ارزش‌های تجربی دستور زبان متن سوره عصر

ارزش‌های تجربی دستور زبان متن سوره عصر	
جملات واجد ارزش‌های تجربی	<p>آیه اول:</p> <ul style="list-style-type: none"> - کنشگری وجود ندارد. - هدفدار است. - رویدادی - توصیفی است. - زمینه‌سازی برای جملات بعدی دارد. <p>آیه دوم:</p> <ul style="list-style-type: none"> - خبری است. - کنشگر دارد. - هدفدار است. - رویدادی - توصیفی است. - زمینه‌سازی برای جملات بعدی دارد. <p>آیه سوم:</p> <ul style="list-style-type: none"> - کنشگر و کنش‌پذیر دارد. - هدفدار است. - توصیه‌ای - توصیفی است. - زمینه‌سازی برای جملات آینده تنها در جمله چهارم مشخص است.
جملات گزینشی	همه جملات گزینشی هستند.
مخفی‌سازی آگاهانه، فریب و برجسته‌سازی، امکان تحقق ندارند.	
فرایند سوره	ایمانی است.
مشارکت‌کنندگان فعال	مؤمنان هستند.
عاملیت	انسان است؛ در آیه دوم به‌طور کلی و در آیه سوم مؤمنان.
فرایند تقلیل‌سازی	در واژه «والعصر» مشهود است.

بر این پایه فرایند مسلط همان فرایندی است که در سوره بدان اشاره شده است و موجب رستگاری مؤمنان می‌گردد. مؤمنان به‌عنوان مشارکت‌کنندگان فعال در این سوره، مسلط بر گفتمان سوره هستند.

۵-۱-۳. ویژگی‌های رابطه‌ای دستور متن سوره عصر

ویژگی‌های رابطه‌ای دستور متن در سه زمینه بررسی می‌شود: وجوه جمله؛ وجهیت (یا وجه‌نمایی) که میزان درستی نظر گوینده را می‌سنجد؛ و ضمائر. البته ویژگی‌های رابطه‌ای به همین سه زمینه محدود نمی‌شود؛ ولی فرکلاف به بررسی این تعداد بسنده کرده است (فرکلاف، ۱۳۹۷، ص ۱۷۳).

سه وجه اساسی در هر جمله وجود دارد: خبری، پرسشی - دستوری، و امری. این سه وجه فاعل‌ها را در جایگاه‌های متفاوتی قرار می‌دهند. درخصوص یک جمله خبری متعارف، جایگاه فاعل (گوینده / نویسنده) جایگاه اطلاع‌دهنده، و جایگاه مخاطب جایگاه دریافت‌کننده است (همان).

جدول ۵: ویژگی‌های رابطه‌ای دستور متن سوره عصر

ویژگی‌های رابطه‌ای دستور متن سوره عصر	
وجوه جملات	خبری است.
وجه‌نمایی رابطه‌ای	مشاهده نشد.
ضمائر به‌کاررفته	متصل فاعلی هستند.

۶-۱-۳. ویژگی‌های دستوری ارزش بیانی متن سوره عصر

جدول ۶: ویژگی‌های ارزش بیانی متن سوره عصر

ویژگی‌های ارزش بیانی متن سوره عصر	
پیوند جملات	میان آیه اول و دوم، قسم و جواب قسم میان آیه دوم و سوم، «الاً» استثنائیه آیه سوم، حرف ربط «و»
همپایگی و وابستگی	آیات با یکدیگر همپایه هستند در کلمات: والعصر، خسر و صبر. جملات آیه سوم همپایه هستند در کلمات: آمنوا، عملوا و تواصوا. جملات دارای ویژگی وابستگی هستند (هم‌معنایی و هم‌نزولی).
ارجاع	در سوره عصر مشاهده نشد.

۷-۱-۳. بررسی ساختارهای متنی سوره عصر

در بررسی ساختاری، مشخصات صوری متن در سطح متن به ویژگی‌های سازمانی صوری کل متون مربوط می‌شود. با توجه به مفهوم گسترده متن در نگاه فرکلاف، متون سازمانی (شامل مکالمات، دروس و مصاحبه‌ها) و متون تک‌گویی (شامل سخنرانی‌ها، مقالات روزنامه‌ها و مانند آن) می‌شود (فرکلاف، ۱۳۹۷، ص ۱۵۳). با توجه به این معنا، نمی‌توان هیچ‌گونه بررسی ساختاری را در قرآن کریم تحلیل نمود؛ زیرا ویژگی‌های ساختاری قرآن کریم با ویژگی‌های ساختاری زبان در نگاه فرکلاف متفاوت است. قرآن کریم کتابی علمی نیست که در آن سلسله دروس وجود داشته باشد. همچنین این کتاب آسمانی فاقد مصاحبه، مکالمه و مانند آن است.

۲-۳. بررسی سطح تفسیر تحلیل گفتمان انتقادی

روش «تحلیل گفتمان انتقادی» هنگامی که از تفسیر سخن گفته می‌شود، مراد بررسی زمینه‌های شکل‌گیری متن علاوه بر بررسی خود متن و تحلیل رابطه میان تحلیلگر با گفتمان است. این مرحله به سبب نقش تحلیلگر و مشارکت کنندگان، «تفسیر» نام گرفته است. تفاسیر تلفیقی از ذهنیت مفسر و خود متن هستند. در نگاه فرکلاف افزون بر پرداختن به سنجه‌های توصیفی متن، نیاز زیادی به سنجه‌های تفسیری متن نیز هست و اگر بررسی‌های تفسیری صورت نپذیرد، هرگز یک متن به مرحله گفتمانی نمی‌رسد (آفاکل زاده، ۱۳۸۵، ص ۲۰).

زمینه اجتماعی گفتمان یکی از واسطه‌های رابطه متن و ساختارهای اجتماعی است؛ زیرا گفتمان‌هایی که در آنها ارزش‌های اینچینی نهفته است، به‌مثابه قسمت‌هایی از فرایندهای نهادهای اجتماعی منازعه هستند و به سبب پیش‌فرض‌های مبتنی بر عقل سلیم در گفتمان (که شامل ایدئولوژی‌های مختلف هم‌نوا با روابط قدرت است) جنبه واقعی به خود می‌گیرند و از نظر اجتماعی محقق می‌گردند (فرکلاف، ۱۳۹۷، ص ۱۹۲).

مرحله تفسیر در روش فرکلاف دو گام دارد: گام نخست مرتبط به متن، و گام دوم مرتبط با زمینه‌های ایجاد متن است.

۱-۲-۳. ظاهر گفته

در این مرحله مفسر با توجه به دانش زمینه‌ای خود، فرایند تبدیل آواها و نشانه‌های موجود در متن به کلمات، عبارات و گزاره‌های معین را آغاز می‌نماید. مفسر در این مرحله مجموعه‌ای از آواها یا نشانه‌های موجود بر روی کاغذ را به کلمات، عبارات و گزاره‌های معین تبدیل می‌کند. برای رسیدن به این هدف، مفسر باید از دانش زمینه‌ای خود در زمینه دانش زبانی بهره ببرد (فرکلاف، ۱۳۹۷، ص ۱۹۶).

در نگاه فرکلاف هر رابطه دلالی یا دال و مدلولی، قراردادی است. وی بررسی نشانه‌ها را به‌طور مستقل فاقد دریافت معنای واقعی کلمات می‌داند و برای دستیابی به معنای واقعی آنها باید پدیده‌های اجتماعی مقارن با آنها را بررسی نمود. در نهایت، آنچه در این مرحله مهم است و بدان پرداخته می‌شود، بررسی نشانه‌شناختی متن از لحاظ فرامتنی آن است (فرکلاف، ۲۰۰۶، ص ۲۵). به سبب نگاه ابزاری فرکلاف به زبان و دستمایه بودن زبان در بازی قدرت، نمی‌توان به بررسی ظاهر گفته در اینجا پرداخت.

مراد فرکلاف از «تفسیر»، تلفیقی از متن و ذهنیت مفسر است. دانش زمینه‌ای مفسر، بار ایدئولوژیکی او، و برداشت‌های وی، همه اموری هستند که مفسر را در تحلیل گفتمان برای رمزگشایی معنا یاری می‌کنند. دست مفسر برای تحلیل و بررسی معنا تا آنجا باز است که به‌جای دستیابی به معنا، ایجاد معنا کند. در این میان، آنچه نایاب و کم‌اهمیت است، مراد مؤلف است. مؤلف در «تحلیل گفتمان انتقادی» نقشی ندارد. مفسر در پی دستیابی به قصد و نیت او نیست. با آنکه هدف از «تحلیل گفتمان انتقادی» رمزگشایی از متن و سخن و آشکارسازی نیت درونی تولیدکنندگان آن است، اما آنچه بر آن تأکید می‌شود

دانش زبانی مفسر و نگاه ایدئولوژیکی او به متن است. هر چند در ظاهر، مؤلف و نیت او، آن چیزی است که مفسر رمزگشایی کرده است.

۲-۳. معنای گفته

معنای «گفته» شامل ارائه معنا به عناصر سازنده متن می‌شود و هدف از آن به‌کارگیری جنبه معناشناختی دانش زمینه‌ای مفسر برای دستیابی به معنای ضمنی (پنهان) در متن است (همان). در این بخش هدف مفسر، از جنبه‌های معناشناختی دانش زمینه‌ای خود، بررسی تطابق کلام با جملات یا گزاره‌های معنا و در نهایت، دستیابی به معنای تلویحی به منظور فهم معنای کل گزاره‌هاست (بشیر، ۱۳۹۹، ص ۱۰۰).

در بررسی معنای گفته سوره «عصر»، با توجه به ویژگی‌ها و شاخصه‌های زبان قرآن کریم، از جمله ویژگی واقع‌نمایی و صدق آن، عدم انطباق معنای گفته با جملات و گزاره‌های متن قرآن کریم امری محال است، حتی اگر معنای گفته، مفهومی تأویلی باشد که در ظاهر کلام ذکر نشده و از روایات به‌دست آمده باشد.

۳-۳. انسجام موضعی

«انسجام موضعی» ایجاد ارتباط معنایی میان گفته‌ها به‌منظور تفسیر منسجم و هماهنگ در کلام با استفاده از دانش زبان‌شناسی است. در اینجا منظور برقراری انسجام فراگیر و کلی بین اجزای یک متن نیست، بلکه بحث ایجاد انسجام در بخش مشخصی از متن است (فرکلاف، ۱۳۹۷، ص ۱۹۷). در نگاه فرکلاف، مفسر در پی ایجاد معناست، نه کشف. وی هدف خود را در این مرحله ایجاد انسجام موضعی در متن می‌نامد، نه رمزگشایی و دستیابی. این در حالی است که مفسر قرآن کریم معنایی را ایجاد نمی‌کند. هدف از تفسیر کشف مراد الهی است، نه ایجاد آن.

۴-۳. ساختار و جان‌مایه متن

ساختار بیانگر چگونگی ارتباط اجزا با یکدیگر و مبین انسجام فراگیر متن است. برای دستیابی به هدف این مرحله، نیاز به یکی از الگوهای مربوط به انواع گوناگون گفتمان است (هایلند و پالتریج، ۱۳۹۹، ص ۶۷). متأسفانه پرداخت به جان‌مایه سوره «عصر» نیز امکان‌پذیر نیست. جان‌مایه در نگاه فرکلاف بعد تجربی مفسر است. «بعد تجربی مفسر» یعنی: فهم مفسر از گفتمان و آنچه مفسر به‌مثابه تجربه زیسته از گفتمان به‌دست می‌آورد و در واقع، فهم مفسر و تجربه او از گفتمان است، و حال آنکه در تفسیر قرآن، فهم مفسر به شکل استقلال‌ی برای تفسیر بدون در نظر گرفتن مراد الهی، هیچ جایگاهی ندارد.

۵-۳. بافت موقعیتی

در تعیین بافت موقعیتی، توجه به عواملی که نقشی تعیین‌کننده در موقعیت شکل‌گیری متن دارند، ضروری است (علی‌پور لیاقونی و نظری، ۱۳۹۹). تبیین و توجیه فرایندها و کارکردهای آنها در سطوح اجتماعی باید با توجه به بافت و بستر گفته صورت پذیرد (مشایخی و اطاق‌سرای، ۱۳۹۹).

فرکلاف نظم اجتماعی را برانگیخته شده توسط شرایط موقعیتی می‌داند (نصرت‌پناه و همکاران، ۱۳۹۸). از نظر او زبان نمی‌تواند نقشی صادقانه ایفا کند. آنچه حاصل این مرحله است الزاماً واقعیت رخداد نیست؛ زیرا رابطه عمیقی با فهم، ایدئولوژی و تجربه زبانی مفسر دارد. از این رو می‌توان حاصل این مرحله را حاصل فعالیت مفسر دانست، نه مؤلف (قنبری و فیروزیان‌پور اصفهانی، ۱۴۰۰).

با توجه به نگاه مفسر محور فرکلاف و تأکید بر غیرصادقانه بودن زبان، پاسخ به چستی ماجرا امکان‌پذیر نیست؛ زیرا اولاً، زبان در اندیشه وی صداقت ندارد و در اندیشه اسلام، زبان، به‌ویژه در قرآن کریم صادق است؛ و ثانیاً، براساس اندیشه وی تجربه زیسته مفسر در تبیین مراد الهی دخالت دارد.

۶-۲-۳. بافت بینامتنیت و پیش‌فرض‌ها

فرکلاف در کتاب *گفتمان‌ها و تغییرات اجتماعی* مفهوم «بینامتنیت» را درج متن در تاریخ می‌داند؛ بدین معنا که متن به متون پاسخ می‌دهد، تأکید می‌کند یا رد می‌نماید و دوباره کار می‌کند. بدین سان، به ساختن تاریخ کمک می‌کند و به فرایندهای گسترده‌تر تغییر، تبدیل می‌شود. این روند می‌تواند پیش‌بینی و تلاشی برای ساختن تاریخ باشد. «بینامتنیت» متون بعدی را شکل می‌دهد؛ زیرا متون ذاتاً تاریخمند هستند. تاریخمندی کمک می‌کند تا متون قادر باشند نقش‌های عمده‌ای را در جامعه معاصر در لبه اصلی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به عهده بگیرند. «بینامتنیت» مستلزم تأکید بر ناهمگونی متون و شیوه‌ای از تحلیل است و عناصر و رشته‌های متنوع و غالباً برای ساختن متن را برجسته می‌کند. متون از نظر ناهمگونی متفاوت هستند. گاه در بازسازی متن اصلی، قسمت‌های متن اصلی مشخص می‌گردد و گاه هرگز علامتی برای آن قرار داده نمی‌شود. این «بینامتنیت» است که شبکه‌ای را به وجود می‌آورد؛ شبکه‌ای که از متن اصلی آغاز می‌شود و با تغییرات مداوم آن ادامه می‌یابد (فرکلاف، ۲۰۰۶، ص ۵۵-۶۰).

فرکلاف رابطه میان «بینامتنیت» و «هم‌مونی» (استیلا) را مهم می‌داند. مفهوم «بینامتنیت» بهره‌وری متون در تغییرات اجتماعی را بیان می‌کند؛ اینکه چگونه متون می‌توانند متن‌های قبلی را تغییر دهند و قراردادهای موجود (ژانرها، گفتمان‌ها) را بازسازی کنند تا متون جدید پدید آیند. این بهره‌وری عملاً به‌عنوان فضایی بی‌پناه برای متون و بازی در دسترس مردم به‌منظور تغییرات اجتماعی قرار دارد. فرکلاف رابطه بین یک متن و آنهایی را که در زنجیره متون مقدم و پس از آن هستند، یک «دیالوگ» (گفت‌وگو) می‌داند. بیشترین پاسخ‌گویی متن مرتبط است با بررسی چگونگی چرخش‌های گفتاری در یک روند و ترکیب آنها به چرخش‌هایی که قبل از آنها هستند و آنهایی که بعد از آن پیش‌بینی می‌کنند.

روش انتقادی تفسیر بافت بینامتنی را به‌منظور تعیین زمان گفتمان و تاریخ‌مندی آن معتبر می‌داند. در این روش گفتمان‌ها و متون تاریخ‌مند و متعلق به مجموعه‌های تاریخی هستند و تفسیر بینامتنی، تلقی و تعلق متن از نظر خواننده به یکی از مجموعه‌های تاریخی است. «بینامتنی» بدین معناست که متون، هم به گذشته و هم به آینده متصل هستند. این اتصال ممکن است از راه‌های گوناگون به دست بیاید (ووداک و میر، ۱۳۹۸، ص ۱۵۶).

فرکلاف در کتاب خود، به صراحت گفتمان‌ها و متون را تاریخمند می‌داند (فرکلاف، ۱۳۹۷، ص ۲۰۸). با توجه به عدم تاریخمندی قرآن کریم، بررسی بینامتنی سوره «عصر» همچون برخی از مراحل بافت موقعیتی با تعریف فرکلاف امکان‌پذیر نیست.

جدول ۷: یافته‌های سوره عصر در سطح تفسیر تحلیل گفتمان انتقادی

یافته‌های سوره عصر در سطح تفسیر تحلیل گفتمان انتقادی		
ظاهر گفته	به علت نگاه ابزاری فرکلاف به زبان، امکان اجرایی شدن این مرحله وجود ندارد.	گام اول
معنای گفته	به علت ویژگی واقع‌نمایی قرآن، امکان اجرایی این مرحله وجود ندارد.	
انسجام موضوعی	در این مرحله فرکلاف به دنبال ایجاد معناست و نه کشف آن. مفسر قرآن کریم اجازه ایجاد معنا ندارد.	
ساختار و جان‌مایه	توجه فرکلاف به بعد تجربی مفسر است، نه مؤلف. از این رو امکان اجرایی شدن این مرحله وجود ندارد.	
بافت موقعیتی	حاصل این مرحله فعالیت مفسر است، نه نظر مؤلف. از این رو امکان اجرایی شدن ندارد.	گام دوم
بافت بینامتنی	چون مبنی بر تاریخمندی قرآن کریم است، امکان اجرا ندارد.	
پیش‌فرض‌ها	جنبه تولیدکنندگان متن از بافت بینامتنی است و نمی‌توان آن را به کار بست.	
کش‌های گفتاری	نگاه بازبچه‌انگارانه به متن قرآن مانع اجرا می‌شود.	
چهارچوب‌ها و طرح	در سوره عصر داده‌ای یافت نشد.	
موضوع و جان‌مایه	چون طرح کلی متن از نگاه مفسر است، امکان اجرایی شدن ندارد.	

۳-۳. بررسی سطح تبیین تحلیل گفتمان انتقادی

پس از مرحله «تفسیر» در «تحلیل گفتمان انتقادی»، مرحله «تبیین» قرار دارد. در این مرحله مفسر با استفاده از ابعاد گوناگون دانش زمینه‌ای به مثابه شیوه‌های تفسیری در تولید و تفسیر متون، دانش یادشده را بازتولید خواهد کرد (فرکلاف، ۱۳۹۷، ص ۲۲۲). فرکلاف مباحث مربوط به «تبیین» را در سه سؤال مطرح می‌کند. پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند روند تبیین را شکل دهد. با چشم‌پوشی از نگاه فرکلاف به زبان و گفتمان و همچنین مبانی اعتقادی روش «تحلیل گفتمان انتقادی»، اگر فقط قرار باشد با نگاه به روش، سوره «عصر» تحلیل شود، می‌بایست در پاسخ به سؤالات سه‌گانه این مرحله، بازتولید گفتمانی اتفاق بیفتد.

سؤال اول فرکلاف در رابطه با عناصر گفتمان و خصصت‌های ایدئولوژیکی آن است. چهار عنصر صورت‌بندی‌های گفتمانی را شکل می‌دهند که عموماً هر گفتمان بر این چهار عنصر ابژه، کارکرد بیانی، مفاهیم و راهبردهاست بنیان نهاده می‌شود: (ون دایک، ۱۳۸۲، ص ۵۶).

سؤال دوم فرکلاف چگونگی تأثیر این سوره و گفتمان آن در مبارزات اجتماعی است: آشکار است یا پنهان؟ هنجاری است یا خلاق؟ روابط قدرت را حفظ کرده یا در پی تغییر آن است؟ پاسخ به این سؤالات در عصر نزول به علت عدم دستیابی به داده‌های مورد نیاز امکان‌پذیر نیست. اما در شرایط اجتماعی کنونی به‌عنوان یکی از دستورات عمل‌ها و راهبردهای اصلی بیان شده است. دو جمله حیاتی و اساسی و جاودانی قرآن «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ» و «تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» به‌عنوان دستورالعملی همیشگی برای هر روز جامعه بیان شده است که سبب پویایی و رشد محیط جامعه می‌گردد و مؤمنان باید برای احیای آن کوشش کنند (بیانات رهبر معظم انقلاب در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی، ۱۴۰۱).

جدول ۸: یافته‌های سطح تبیین سوره عصر

یافته‌های سطح تبیین سوره عصر	
توجه به مؤلفه خسران‌زدگی. راهکارهای برون‌رفت از خسران. اثبات ولایت امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> .	گفتمان رسمی سوره عصر
سنت صحابه در رابطه با سوره «عصر» و تأثیر این سوره در تعاملات اجتماعی عصر نزول.	نمود گفتمان رسمی سوره عصر
موضوع: ایمان. کارکرد بیانی: مراد جدی گوینده. مفاهیم: خسر، ایمان، تواصی، حق و صبر. راهبردها: مؤمنان برای دستیابی به اهداف سوره، در زیست اجتماعی خود در سایه ایمان و عمل صالح و مداومت بر حق، تواصی داشته باشند و در سختی‌ها تواصی به صبر نمایند.	عناصر سوره عصر
در عصر نبوی داده‌ای یافت نشد. در عصر حاضر به‌مثابه دستورالعملی اجتماعی از آن یاد شده است.	تأثیرات سوره در مبارزات اجتماعی

نتیجه‌گیری

روش «تحلیل گفتمان انتقادی» فرکلاف یک روش تفسیری متن جدید است که مطمح‌نظر برخی قرآن‌پژوهان قرار گرفته است.

از جمله انتقادات واردشده بر این روش، نوع نگاه فرکلاف به مسئله زبان و ایدئولوژی است. فرکلاف زبان را وسیله و بازیچه قدرت برای استیلا بر جامعه می‌داند. زبان نقشی پنهان برای طبیعی‌سازی ایدئولوژی ایفا می‌کند. درخصوص کاربری این روش در تفسیر قرآن باید گفت: زبان قرآن، زبانی صادق و گویاست و خداوند متعال در قرآن کریم ایدئولوژی خود را به‌صراحت بیان کرده است.

«پنهان‌شدگی» مدنظر فرکلاف در قرآن کریم وجود ندارد تا مفسر بخواهد از گذر تحلیل انتقادی به آن دست یابد. استفاده از عبارات دگرسان در قرآن کریم محال است؛ زیرا عبارات دگرسان بازنویسی عبارات مخالفت‌جویانه با

عبارات مسلط و طبیعی است. زبان قرآن زبانی واقع‌گراست. از این رو نمی‌توان عبارتی افراطی یا دگرسان در آن یافت. از سوی دیگر زبان‌شناسی در روش فرکلاف، نکات کاربردی و نگرش عمیق زبان‌شناسی قرآن را ندارد. سطح اول بررسی در این تحلیل، «توصیف» است.

سطح دوم تحلیل گفتمان «تفسیر» است که رابط میان متن و کردار اجتماعی است. این مرحله از دو گام تشکیل شده است: گام اول متشکل از ظاهر گفته، معنای گفته، انسجام موضعی و ساختار جان‌مایه است. گام دوم از بافت موقعیتی و بافت بینامتنی و پیش‌فرض‌ها تشکیل شده است. به سبب نگاه خاص فرکلاف به زبان، استفاده از مراحل مزبور برای تفسیر قرآن کریم امکان‌پذیر نیست؛ زیرا این نگاه موجب پدیداری اشکالاتی (همچون واقعه‌انگاری تحلیل، نسبت‌گرایی، تکرر معنایی، تاریخمندی متن و مرگ مؤلف) در تفسیر قرآن می‌شود که پذیرفته شده نیست. هیچ‌یک از مفسران کریم وقوع حتی یکی از موارد مذکور در تفسیر قرآن را جایز نمی‌دانند.

سطح سوم تحلیل گفتمان «تبیین» است که جزئی از فرایند اجتماعی به‌منظور اثبات یا تغییر گفتمان است. فرکلاف «تبیین» را تلقی گفتمان به‌مثابه روند مبارزه اجتماعی در روند قدرت می‌داند و تأثیرات بازتولیدی گفتمان‌ها بر ساختارها را بیان می‌کند. در این مرحله، مفسر با شناختی که بر روابط گفتمانی پیدا نموده و احاطه‌ای که بر اجتماع امروزی و نوع روابط آن دارد، به بازتولید گفتمان می‌پردازد. ساختارهای اجتماعی در تعیین‌بخشی گفتمان نقشی اساسی دارند. انتقادات وارد شده در این سطح، دور گفتمانی، تغییر ساختارها و نبود تعریفی روشن از واژگان و مفاهیم کلیدی است. دور گفتمانی یا ایجاد تغییر در ساختار زبانی قرآن کریم محال است. ویژگی‌های زبانی قرآن کریم (همچون متن آن) جزئی از معجزه خداوند است که به اذعان تمامی مسلمانان، امکان تغییر در آن نیست.

پس از بررسی سطوح سه‌گانه تحلیل گفتمان، مشخص می‌شود که استفاده از این روش تحلیلی برای دریافت مراد الهی، مردود است. مبانی این روش با مبانی متقن علوم قرآنی و تفسیر در تضاد است. صرف‌نظر از مبانی، خود روش نیز داری انتقاداتی جدی است که نمی‌توان از آنها صرف‌نظر نمود. از این رو یا نباید از تحلیل گفتمان انتقادی در تفسیر قرآن کریم استفاده نمود یا در صورت استفاده از این روش، نیازمند کاربست آن با توجه به اصول و ضوابط روش‌های تفسیری قرآن کریم هستیم.

منابع

قرآن کریم.

- آقاقلی زاده، فردوس و مریم‌سادات غیاثیان، ۱۳۸۶، «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی»، *زبان و زبان‌شناسی*، دوره سوم، ش ۵، ص ۳۹-۵۴.
- _____، ۱۳۸۵، *تحلیل گفتمان انتقادی: تکوین تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی*، تهران، علمی و فرهنگی.
- اشرفی، امیررضا، ۱۳۹۸، *مبانی تفسیری علامه طباطبائی در المیزان*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- بشیر، حسن، ۱۳۹۹، *روش عملیاتی تحلیل گفتمان*، تهران، سروش.
- بیانات رهبر معظم انقلاب در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی، ۱۴۰۱.
- جهانگیری، جهانگیر و علی بندریگی‌زاده، ۱۳۹۲، «زبان، قدرت و ایدئولوژی در رویکرد انتقادی نورمن فرکلاف به تحلیل گفتمان»، *پژوهش سیاست نظری*، ش ۱۴، ص ۵۷-۸۲.
- حاجی‌زاده، مهین و رعنا فرهادی، ۱۳۹۷، «بررسی قصه یوسف براساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف»، *پژوهش‌های ادبی - قرآنی*، سال ششم، ش ۴ (۲۴)، ص ۲۵-۴۲.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۴۰۰، *بیان قرآن (تفسیر سوره برات)*، چ چهارم، تهران، انقلاب اسلامی.
- رحیمی، زهرا، ۱۳۸۹، *تحلیل گفتمان کاوی انتقادی سوره آل عمران براساس نظریه نورمن فرکلاف*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۹۲، *منطق تفسیر قرآن (۴)*، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- زمخشری، جلاله، ۱۴۰۷ق، *کشف عن الحقائق غوامض التنزیل*، چ سوم، بیروت، دارالکتب العربی.
- ساجدی، ابوالفضل، ۱۳۹۲، *زبان قرآن با نگاهی به چالش‌های کلامی تفسیر*، تهران، سمت.
- سعیدی روشن، محمداقبر، ۱۳۹۱، *زبان قرآن و مسائل آن*، چ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ دوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل‌بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، تهران، ناصر خسرو.
- علی‌پور لیاقونی، هادی و علیرضا نظری، ۱۳۹۹، «تحلیل کاربردشناسی قصیده الارض محمود درویش با تکیه بر نظریه کنش گفتار»، *لسان‌مبین*، سال یازدهم، ش ۳۹، ص ۴۱-۶۴.
- فاضلی، محمد، ۱۳۸۳، «گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی»، *پژوهش‌نامه علوم انسانی اجتماعی*، ش ۱۴، ص ۸۱-۱۰۷.
- فرکلاف، نورمن، ۱۳۹۷، *تحلیل گفتمان انتقادی*، ترجمه روح‌الله قاسمی، چ دوم، تهران، اندیشه احسان.
- _____، ۲۰۰۰م، *تحلیل گفتمان انتقادی*، ترجمه شعبانعلی بهرام‌پور و همکاران، تهران، مرکز اطلاعات و حقیقت صدا و سیما.
- _____، ۲۰۰۶م، *گفتمان و تعبیرات اجتماعی*، لندن، کمبریج.
- _____، ۲۰۱۰م، *تحلیل گفتمان انتقادی: مطالعه انتقادی زبان*، لندن، لانگمن.
- فلاح، ابراهیم و سجاد رفیع‌پور، ۱۳۹۷، «گفتمان کاوی انتقادی سوره شمس براساس الگوی فرکلاف»، *پژوهش‌نامه تفسیر و زبان قرآن*، سال هفتم، ش ۱ (۱۳)، ص ۲۹-۴۲.
- قنبری، رضا و آیلین فیروزیان‌پور اصفهانی، ۱۴۰۰، «تحلیل گفتمان انتقادی رمان چشم‌هایش از بزرگ علوی براساس نظریه نورمن فرکلاف»، *زبان پژوهی دانشگاه الزهراء*، سال سیزدهم، ش ۴۰، ص ۱۱۵-۱۴۲.
- کلانتری، عبدالحسین، ۱۳۹۱، *گفتمان از سه منظر زبان‌شناسی، فلسفی و جامعه‌شناختی*، تهران، جامعه‌شناسان.
- محسنی، علی‌اکبر و نورالدین پروین، ۱۳۹۴، «تحلیل گفتمان انتقادی در نهج‌البلاغه براساس تئوری فرکلاف»، *پژوهش‌نامه علوی*، ش ۱۲، ص ۱۳۳-۱۵۵.

مشایخی، حمیدرضا و سعیده زارع اطاقسرای، ۱۳۹۹، «تحلیل بافت متنی و بافت موقعیتی سطح دلالی خطبه قاصعه»، *مطالعات ادبی متون اسلامی*، ش ۲۶، ص ۹-۳۰.

مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ق، *تفسیر کاشف*، قم، دارالکتاب الاسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، چ دهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

مکاریک، ایرنا ریما، ۱۳۸۳، *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر*، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، تهران، آگه.

نصرت‌پناه، محمدصادق و همکاران، ۱۳۹۸، «تحلیل گفتمان انتقادی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از روش نورمن فرکلاف»، *مطالعات راهبردی بسیج*، سال بیست و دوم، ش ۸۳، ص ۳۹-۶۵.

نصری، عبدالله، ۱۳۸۲، *گفتمان مدرنیته (نگاهی به برخی جریان‌های فکری معاصر ایران)*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

ون دایک، تئون ای، ۱۳۸۲، *مطالعاتی در تحلیل گفتمان، از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی*، ترجمه گروه مترجمان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ووداک، راث و مایکل میر، ۱۳۹۸، *روش‌های تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه رحیم ایلغمی سراسکانرود، تهران، دانشگاه پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.

هایلند، کن و برابان پالتریج، ۱۳۹۹، *تحلیل گفتمان روش‌ها و حوزه‌ها*، ترجمه محسن نوبخت، تهران، سمت.

یورگنسن، ماریان و لوتیز فیلیبس، ۱۳۹۲، *نظریه و روش تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، چ سوم، تهران، سپیدار.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی